تکمله صفحه ۷۳

بحث: تمسک به عام در شبهات مخصص

ما می گوییم:

۱. قبل از نقد و بررسی مطالب، لازم است به نکته‌ای توجه کنیم

۲. دو مفهوم با یکدیگر (به لحاظ مفهومی) دو نوع رابطه بیشتر ندارند، یا متباین هستند و یا عام و خاص مفهومی می‌باشند. به این معنی که اگر مفهومی جزء تعریف مفهوم دیگر بود، آنها را «عام و خاص مطلق مفهومی» به حساب می‌آوریم و الا، رابطه آن دو مفهوم، تباین است.

پس:

رابطه انسان و ضاحک (اگرچه همه افرادشان مشترک هستند) تباین است، همانطور که انسان و حجر متباین هستند. و همینطور رابطه «انسان و سفیدی» و «انسان و موجود» هم متباین می‌باشند.

اما رابطه انسان و حیوان رابطه عام و خاص مفهومی است چرا که تعریف انسان؛ حیوان ناطق است.

۳. در بحث حاضر مراد از اقل و اکثر و متباین، چیز دیگری است که در ذیل اشاره می‌کنیم

۴. وقتی معنای لفظ خاص بین دو مفهوم [یا بیشتر] مردد است، گاهی رابطه‌ی آن دو مفهوم تباین مصداقی است (یعنی هیچ مصداق مشترکی ندارند) و گاه رابطه آنها «عموم و خصوص مطلق مصداقی» است (یعنی همه مصادیق یکی از مصادیق دیگری است ولی برخی مصادیق دیگری از مصادیق آن مفهوم اول نیست) و گاه رابطه آنها «عموم و خصوص من وجه مصداقی» است. (یعنی برخی از افراد هر یک مصداق دیگری است و برخی هم مصداق دیگری نیست) و گاه رابطه آنها تساوی مصداقی است (یعنی همه مصادیق هر یک، مصداق دیگری است)

۵. مثال فرض تباین: انسان و حجر

مثال فرض عام و خاص مطلق: قرمز و خون

مثال فرض عام و خاص من وجه: انسان و سفید

مثال فرض تساوی: انسان و ضاحک

۶. توجه شود که مراد از متباینین در این بحث، صورت تباین مصداقی است و مراد از اقل و اکثر، صورت عام و خاص مطلق مصداقی است.

۷. اگر رابطه بین دو مفهوم تساوی بود، اگرچه اجمال در خاص موجود است (یعنی اگر گفته شود «اکرم الموجودات الا الف» و «الف» دائر مدار انسان و ضاحک بود، خاص مجمل است) ولی این اجماع ضرری به تمسک عام نمی‌زند.

توجه شود که اجمال خاص در این صورت سرایت به عام می‌کند ولی این اجمال، باعث «شک در مورد هیچ مصداقی نمی‌شود».

۸. اما در رابطه «عام و خاص من وجه»: اگر گفته شود «اکرم العلما الا الف» و نمی‌دانیم «الف» یعنی انسان و یا یعنی سفید، این هم حکم اقل و اکثر را دارد چرا که:

مطابق نظر مرحوم آخوند:

اگر تخصیص متصل باشد، هیچ کدام از افراد انسان و افراد سفید را نمی‌توان تحت «اکرم العلما» قرار داد. ولی اگر تخصیص منفصل باشد، آن دسته از افراد که هم انسان هستند و هم سفید، از تحت عام خارج می‌شوند (اقل) و آن انسان‌ها که سفید نیستند و آن سفیدها که انسان نیستند، تحت عام باقی می‌مانند (اکثر)

پس:

معلوم شد که مراد اصولیون از اقل و اکثر و متباینین، رابطه مصداقی است، چرا که رابطه بین «خون و قرمز» یا «سفید و انسان»، تباین مفهومی است ولی آن را «اقل و اکثر» دانسته‌اند.

ما می گوییم:

۱. در فصل قبل، گفتیم که ....